

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

الحكمة : من قال **يا مقلب** به **مقلب** رفق .

آراء : من : آراء : خود می رفتیم .

ایران : کشور ما ایران است .

پدرم : من پدرم را دوست دارم .

حرف : من حرف مادم را ئوئی می دم .

راحتنا: راحت، در باره، خردوسی، برایمان، تقریباً، سرد.

دستار: من داستان های خرمی را خوانده ام.

انتهى من اخرى كذا رقم.

زیادتی: من حدودت زیادتی دارم.

ترویج: هنر و ترویج رفته ام.

حاجانامہ : من سدر حای حنا غلام رافضائہ ام -

زنگنه: من دوست دارم همیشه مادر و پدرم زنده باشند.

رسقم : رسقم بذرتنمین سلوان است .

محل نصب
درایست

خوانند: او سناپ خوانند.

مفسرہ: من به فہمہ رفقاۃ ام۔

شعر: من شعرهای زیبایی دارم.

محل اعضا و نظر معلّم

محل اعضا و نظروں

- ☐ به کار گیری عظیم نگارش
- ☐ تبدیل نشانه های آوازی به نوشتاری
- ☐ توانایی خواندن و زبده نویسی
- ☐ نوشتن صحیح نشانه ها

جدول اشتباهات املائی

[illegible][illegible]